کامبیز نوروزی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

تنگنای حقوق شهروندی

سامان موحدی‌راد: مرگ دردناک مهسا امینی درحالی‌که توسط مأموران پلیس امنیت اخلاقی بازداشت شده بود، موجی از واکنش‌ها و اخبار را در پی داشته است؛ از موضوعات مرتبط با زنان و حقوق آنها گرفته تا ماجرای گشت‌های ارشاد که دولت ادعا می‌کند برچیده شده‌اند و سیاست‌های مرتبط با پوشش زنان. یکی از موضوعات حاشیه‌ای در این میان اما نقض دوباره حقوق شهروندی در چنین رویدادی است. اگرچه بخش‌نامه‌ها، منشورها و سندهای مختلفی در این سال‌ها به اسم حقوق شهروندی از سوی دستگاه‌های اخیر رونمایی شده، اما از کوچک‌ترین رویدادهای روزمره زندگی تا بحران‌های بزرگی همچون فاجعه مرگ مهسا امینی همچنان ردی از نقض حقوق شهروندی را شاهد هستیم. اینکه چرا با این همه سازوکاری که تعریف شده، همچنان حقوق شهروندی به رسمیت شناخته نمی‌شود، موضوعی است که با کامبیز نوروزی در میان گذاشتیم. این حقوق‌دان در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید وضعیت حقوق شهروندی در ایران نامناسب است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

◆ آقای نوروزی، وضعیت حقوق شهروندی در ایران سال ۱۴۰۱ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه در این سال‌ها شرایط حقوق شهروندی در ایران بحرانی‌تر از همیشه است. این وضعیت بحرانی در همه حوزه‌ها دیده می‌شود. از روابط کار بگیرید تا حقوق کودکان و محیط زیست و به‌ویژه وضعیت زنان در ایران، حقوق شهروندی در وضعیت بحرانی دیده می‌شود. در همه این عرصه‌ها می‌بینیم که آنچه در قوانین و مقررات کشور به‌عنوان حقوق شهروندی بیان شده و دلالت بر حقی دارد که به شهروندان تعلق می‌گیرد، در ضعیف‌ترین وضعیت خودش قرار دارد. ازاین‌رو موارد نقض حقوق شهروندی به اشکال مختلف گسترش پیدا کرده است. به همین دلیل است که می‌گویم وضعیت حقوق شهروندی ایران در این سال‌ها از همیشه بحرانی‌تر و نامناسب‌تر است.

◆ چرا با رونمایی از منشور حقوق شهروندی در دولت قبل و همچنین انتشار سندهایی در این زمینه از سوی سازمان‌ها و نهادهای گوناگون همچنان شاهد نقض حقوق شهروندی هستیم؟

اشاره کردید به اقداماتی که در دولت قبل در این زمینه انجام گرفت. آنچه در دولت قبلی به‌عنوان حقوق شهروندی مطرح شد، یک کار سطحی و بی‌ریشه بود؛ چراکه آن کار اساسا فهم و درکی از حقوق شهروندی نداشت. علت هم در این بود که آنها بیشتر به دنبال تبلیغاتی در این زمینه بودند. اگرچه در دولت قبل تا اندازه‌ای وضعیت حقوق شهروندی بهتر بود، بااین‌حال می‌گویم که فهم و درک درستی از مسئله حقوق شهروندی نداشتند. برای نمونه دیدیم که مثلا دولت قبل منشوری به‌عنوان منشور حقوق شهروندی منتشر کرد. شهرداری تهران هم در زمان آقای قالیباف، همان زمان‌ها چیزی به اسم سند حقوق شهروندی منتشر کرد. حتی در قوه قضائیه هم این بحث مطرح شد، اما با همه اینها این گروه‌ها به این موضوع توجهی نداشتند که حقوق شهروندی چیست؟ به چه دلیل و در کجا این حقوق نقض می‌شود؟ همین دلیل هم موجب شد تا این منشور در هر جایی که وضع شد، بی‌اثر ماند. درحال‌حاضر هم اساسا کمتر حرفی از حقوق شهروندی دیده می‌شود و در نقطه مقابل موارد نقض حقوق شهروندی هم افزایش یافته است. علت ماجرا در این است که حقوق شهروندی شامل تکالیفی است که ملت بر گردن دولت دارد؛ یعنی وظایفی که دولت‌ها بر عهده دارند تا برای و به نفع ملت انجام دهند. هر اندازه که میزان نقض قانون در کشور بیشتر باشد، نقش قانون آسان‌تر باشد و زیرپاگذاشتن قانون بدون تنبیه و عواقبی برای‌شان اتفاق بیفتد، آنجا مصیبت حقوق شهروندی است. در چنین موقعیتی حقوق شهروندی هم به‌راحتی نقض و زیر پا گذاشته می‌شود. در سال‌های اخیر شاهد آن هستیم که پاسخ‌گویی‌ها بسیار کمتر شده است. این مسئله را همه سطوح قابل‌مشاهده است. در حوزه آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و به‌ویژه در حوزه زنان شاهد چنین رویدادهایی هستیم. در این عرصه‌ها اتفاقاتی رخ می‌دهد که به‌راحتی با تحلیل آن می‌توان گفت که خلاف قانون اساسی و قوانین جاری کشور است، اما این اتفاقات رخ می‌دهد و رخ‌دادنش هم تکراری می‌شود. در همین مورد اخیر که به مرگ ناحق خانم «مهسا امینی» منجر شد، شاهد هستیم که آشکارا در تمام مراحل نقض قانون اتفاق افتاده است. اگر کسی را پلیس دستگیر کند، باید تشریفاتی برای آن انجام شود. باید به دادسرا گزارش داده شود. نگهداری آنها در مقر پلیس باید تحت نظر دادستان باشد. مهم‌تر اینکه باید جرمی مرتکب شده باشند که دستگیر شوند. اگر جرمی مرتکب شده که باید برای آنها پرونده کیفری صادر شود و به دادسرا ارجاع داده شود. اینجا سؤال پیش می‌آید که چرا چنین نشده؟ اگر پاسخ این است که جرمی مرتکب نشده‌اند، چرا دستگیر می‌شوند؟ تمام این موارد نقض قانون و از موارد حقوق شهروندی است. متأسفانه موارد نقض قانون در همین حوزه زنان که با عنوان مبارزه با بدحجابی درحال انجام است، زیاد است. متأسفانه نهادهای قانونی هم به این نقض مکرر قانون در این عرصه چنان بی‌توجهی کرده‌اند که نهایتا منجر به چنین فاجعه‌ای شده که کل کشور را درگیر خودش کرده است.

◆ وضعیت در سایر حوزه‌ها چگونه است؟

این فقط در حوزه زنان نیست که شاهد چنین رویدادهایی هستیم؛ در بسیاری از حوزه‌ها اگر بنگرید با موارد نقض حقوق شهروندی مواجه می‌شوید. از حوزه کودکان کار بگیرید تا محیط زیست می‌توانم برای شما مثال‌های متعددی بزنم که حقوق شهروندی نقض می‌شود. به همین دلیل است که می‌گویم وضعیت حقوق شهروندی در ایران نامناسب است. شما تنها به حوزه کودکان کار توجه کنید. این کودکان در سطحی وسیع در تهران و شهرستان‌ها پراکنده هستند. از مشاغل کاذبی همچون فال‌فروشی تا مشاغل پرخطری مانند زباله‌گردی محل فعالیت این گروه‌هاست. این مسئله چیز پنهانی هم نیست که بگوییم یک گروه مافیایی در یک مکان نامعلوم دست به این کار زده‌اند؛ اتفاقا کاملا هم عیان است و در مقابل دیدگان همه ازجمله شهرداری‌ها و دولت قرار دارد. پس چرا شهرداری‌ها یا دولت برای احقاق حقوق کودکان کاری انجام نمی‌دهند؟ چرا با باندهای زباله‌گردی مبارزه نمی‌کند؟ از این عرصه بگذریم و نگاهی به حوزه محیط زیست داشته باشیم. دریاچه ارومیه تقریبا خشک شده و زندگی حداقل پنج میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده است. از آن سو همین بلا تقریبا سر زاینده‌رود هم آمده است. بسیاری از رودخانه‌ها و تالاب‌ها درگیر خشکی و کم‌آبی هستند و این مسئله زندگی ساکنان و بومی‌های آنجا را تحت تأثیر قرار داده است. بااین‌حال کسی در این زمینه اقدامی نمی‌کند. می‌بینیم که بخش بزرگی از منابع طبیعی کشور به تاراج بخش ساخت‌وساز رفته است و جنگل‌ها ویران شده‌اند. ازبین‌رفتن جنگل‌ها و نامساعدکردن محل زیست انسان‌ها آیا نقض حقوق شهروندی نیست؟ بخش بزرگی از گردنه حیران همین الان با این فرمول تخریب و با ساخت‌وسازهای غیرمجاز نابوده شده است. ازبین‌بردن چنین منابعی نقض حقوق شهروندی نیست؟ این اتفاق برای جنگل‌های هیرکانی و ارسباران هم رخ داده است. در عرصه مسکن که یکی از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی است، می‌بینیم که چه اتفاقاتی در حال رخ‌دادن است؛ در این اقتصاد بحران‌زده بیمار توانایی تأمین مسکن مناسب با حداقل معیارهای مسکن برای بخش‌های بزرگی از اقشار متوسط و پایین کشور دشوار شده است. این مسائل به چشم بسیاری از مسئولان گویا نمی‌آید، اما اینها همه ازجمله حقوق شهروندی است و ما شاهد تضعیف و ازدست‌رفتن آن هستیم. همان‌طورکه گفتیم، حقوق شهروندی ازجمله وظایفی است که دولت باید برای ملت انجام دهد. دولت باید اقتصاد سالمی را شکل دهد تا شهروندانش در رفاه باشند و بتوانند مسکن معقول و استانداردی داشته باشند یا بتوانند خودروی مناسبی سوار شوند. وقتی چنین مسائلی محقق نمی‌شود، یعنی دستگاه‌های دولتی در حال نقض حقوق شهروندی هستند. الان هم می‌بینیم که این موارد نقض حقوق شهروندی رو به توسعه است.

> در بسیاری از حوزه‌ها اگر بنگرید با موارد نقض حقوق شهروندی مواجه می‌شوید. از حوزه کودکان کار بگیرید تا محیط زیست می‌توانم برای شما مثال‌های متعددی بزنم که حقوق شهروندی نقض می‌شود. به همین دلیل است که می‌گویم وضعیت حقوق شهروندی در ایران نامناسب است. شما تنها به حوزه کودکان کار توجه کنید. این کودکان در سطحی وسیع در تهران و شهرستان‌ها پراکنده هستند. از مشاغل کاذبی همچون فال‌فروشی تا مشاغل پرخطری مانند زباله‌گردی محل فعالیت این گروه‌هاست

◆ شهروندان سازوکاری هم برای احقاق حقوق‌شان دارند؟

این‌طور نیست که سازوکاری برای احقاق حقوق شهروندی وجود نداشته باشد. اما سازوکارها در حلقه بسته قدرت و در استمرار نقض حقوق شهروندی از کارکرد افتاده‌اند و اثرگذار نیستند. همین نمونه آخر را که موضوع مرگ مهسا امینی است، کمی تحلیل کنیم تا بفهمیم چطور سازوکارهای احقاق حقوق شهروندی از بین رفته است. یک مرگ در مقر پلیس اتفاق افتاده است. قطعا می‌شود گفت در این حادثه عمدی در کار نبوده. چند مأمور احتمالا بر اثر بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی و عدم رعایت مقررات، رفتاری انجام داده‌اند که این رفتار در وضعیت جسمی این دختر جوان اثر بدی گذاشته و منجر به مرگ او شده است. طبق اطلاعیه بیمارستان کسری مهسا امینی در وضعیت مرگ مغزی به این بیمارستان رسیده است. این در حالی است که فاصله ساختمان وزرا تا بیمارستان کسری بیش از سه یا چهار دقیقه نباشد. این به آن معناست که مهسا امینی در مقر پلیس دچار مرگ مغزی شده است. راه درست و قانونی این است که نیروی پلیس اعلام کند این مسئله و مسئولیت آن را بپذیرد. همچنین افرادی را که مسبب این حادثه بودند، شناسایی و بازداشت کند تا با آنها برخورد قانونی شود. اما آنها این کار را انجام نمی‌دهند. مدام هم اطلاعات متناقض منتشر می‌کنند. بنابراین سازوکار قانونی برای احقاق حقوق شهروندی در این مسئله وجود دارد ولی این سازوکار در هزارتوی روابط قدرت عملا از کار می‌افتد. مشکل اینجاست.

گزارش

شرایط التزام قانونی به حجاب شرعی

فرارو: محمد منصوری‌بروجنی، حقوق‌دان و استاد دانشگاه، در یادداشتی به مسئله الزامات قانونی حجاب شرعی پرداخته است. او در این یادداشت می‌نویسد: به‌تازگی و با بالاگرفتن مجادلات درباره حجاب زنان، بر این امر به‌عنوان یک تکلیف قانونی پافشاری می‌شود. به نظرم این نقطه بسیار مناسب و مورد توافقی برای بحث در یک مسئله جاری کشور است؛ بنابراین بدون اینکه بخواهم در حکمت قانون‌گذاری چندوچون کنم و مسائلی نظیر این را که چرا حجاب قانونی، فقط برای زنان الزامی است و نه برای مردان، پیش بکشم، نکاتی درباره این قضیه، به‌عنوان یک حکم قانونی، یادآوری می‌کنم. بسیاری از این نکات را پنج سال پیش در یادداشتی برای سایت فرارو نوشته بودم، آنها را تکرار می‌کنم و نکاتی می‌افزایم؛ چراکه وقتی حجاب را به‌عنوان قانون لازم‌الاجرا می‌دانیم، باید به همه جوانب قانون‌بودن حجاب پایبند بود:

۱- آنچه قانون ملزم کرده «حجاب شرعی زنان» است. درباره حدود حجاب شرعی، مشهور آن است که پوشاندن کل بدن به‌جز صورت و دست، بدون نمایان‌بودن برجستگی‌های آن. با این تعبیر، افراد متعددی مجرم‌اند و بین یک تار مو بیرون‌گذاشتن و کشف کامل موها از نظر قانون فرقی نیست. قانون تدرج در اجرا برنمی‌دارد. نمی‌شود گروهی را مجازات کرد و گروهی را واگذاشت. در هر موردی که جرمی مشاهده می‌شود، باید با آن برخورد کرد. با این حال به‌تازگی فقیه شناخته‌شده، امام‌جمعه موقت تهران و عضو مجلس خبرگان رهبری، سیداحمد خاتمی، بین شل‌حجابی و بی‌حجابی قائل به تمییز شده است. چنین ابهام‌هایی در تفسیر و اجرا، دامن حجاب قانونی را می‌گیرد و تکلیف شهروندان با آن روشن نیست.

۲- بر فرض اینکه برای مقامات قضائی حدود این جرم مشخص است، «فقدان حجاب شرعی» یک عنوان مجرمانه با حدود مجازات مشخص است. شهروندان یعنی افرادی که ضابط قضائی یا مقام قضائی نیستند، اجازه هیچ اقدامی در قبال آن جز استفاده از آزادی بیان را ندارند. حدود آزادی بیان شهروندان برای این موارد که مشمول عنوان امر به معروف قرار می‌گیرد، در مواد ۵ و ۶ قانون حمایت از آمران به معروف مشخص شده: منع تعرض به حیثیت؛ منع افترا؛ منع توهین از این جمله‌اند. تعرض‌های جسمی و ضرب و جرح نیز صریحا ممنوع شده است. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، صراحتا اقدام عملی شهروندان را ممنوع اعلام کرده است. پس هیچ جایی برای حمایت لفظی یا قانونی از کسی که وارد اقدام عملی در مبارزه با بی‌حجابی شده یا توهین کرده یا حیثیت فرد بی‌حجاب را هتک کرده وجود ندارد. چنین حمایتی، حمایت از یک فرد قانون‌شکن است. اگر بی‌حجابی قانون‌شکنی است، رعایت‌نکردن قانون حمایت از آمران به معروف در امر به معروف نیز قانون‌شکنی است.

۳- مجازات جرم بی‌حجابی ۱۰ روز الی دو ماه زندان یا پنج هزار الی ۵۰ هزار تومان جریمه نقدی است؛ یعنی یک جرم درجه هشت که جرمی خفیف‌تر از آن در نظام حقوقی ما وجود ندارد. پس طبق قواعد عمومی قانون مجازات اسلامی تشویق به بی‌حجابی یا تسهیل آن نمی‌تواند مجازات شود. به این اقدامات معاونت در جرم گفته می‌شود. معاونت جرم، جرم است و مجازات آن یک درجه خفیف‌تر از جرم اصلی است. وقتی جرم اصلی خود خفیف‌ترین مجازات را دارد، معاونت آن فاقد مجازات می‌شود. استفاده از عناوین مجرمانه دیگر، مثل تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی (به تعبیر رسانه‌ها تشکیل شبکه) یا اشاعه فساد و فحشا نیز تصرف در حدود اراده قانون‌گذار است. ولو اینکه بی‌حجابی را مصداق فساد و فحشا بدانیم (اگرچه در همان یادداشت پنج سال پیش گفته‌ام فساد و فحشا دقیقا یعنی لواط و زنا نه بیشتر)، چون قانون‌گذار این عنوان را از عنوان کلی فساد و فحشا مستثنا کرده و برایش مجازات مشخصی وضع کرده است، نمی‌توانیم از حدود همین مجازات در ارتکاب جرم فقدان حجاب شرعی یا تشویق به فقدان حجاب شرعی فراتر برویم.

۴- صدور قرار بازداشت از سوی مقام قضائی تنها برای موارد مذکور در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مجاز است. قرار بازداشت سخت‌گیرانه‌ترین قرار قضائی است و تردیدی در این نیست که مقام قضائی نمی‌تواند برای ارتکاب یک جرم درجه هشت اقدام به بازداشت کسی کند. مأموران انتظامی به‌عنوان ضابط نیز از توقیف افراد تنها در حدود راهنمایی ایشان نزد مقام قضائی می‌توانند استفاده کنند، آن‌هم درباره جرم مشهود. شرایط جرم مشهود در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مشخص است و ازجمله از این قرار است که مأمور در هنگام وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن در محل وقوع جرم حاضر باشد. پس وجود فیلم و عکس، جرم را مشهود و ضابط قضائی را برای بازداشت متهم، صاحب اختیار نمی‌کند.

۵- رعایت‌نکردن حجاب شرعی یک جرم است، نه تخلف از موازین اداری. پس نیروی انتظامی حق ندارد از افراد تعهد بگیرد یا ایشان را ملزم به پوشیدن لباس‌های خاصی کرده و آزاد کند. بازداشت قانونی، یعنی از توقیف تا آزادی همه موازین قانونی رعایت شود. چنانچه کسی تحت این عنوان در خیابان توقیف می‌شود، باید بلافاصله یا حداکثر تا ۲۴ ساعت نزد مقام قضائی دلالت شده تا مقام قضائی به پرونده او رسیدگی کند.

۶- رعایت‌نکردن حجاب شرعی یک جرم است و نه یک تخلف رانندگی. تخلفات رانندگی مستوجب جریمه نقدی به دقت در ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی معین شده‌اند. نیروی انتظامی بر اساس کدام مجوز قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، خودروهای حامل زنان فاقد حجاب را جریمه می‌کند؟ به‌ویژه وقتی کسی جز راننده فاقد حجاب شرعی است که این کار ایراد واضح حقوقی دارد: و لا تزر وازره وزر اخری. از همه اینها بدتر توقیف خودرو در پارکینگ است که عین بی‌قانونی است. در ماده ۶ این قانون می‌خوانیم: «مأموران راهنمایی و رانندگی به‌جز در موارد مصرح قانونی و موارد تصادفات منجر به جرح و قتل مجاز به توقیف وسیله نقلیه موتوری نیستند». کدام تصریح قانونی وجود دارد که خودروی حامل فرد فاقد حجاب شرعی را می‌توان توقیف کرد؟

با این اوصاف مقامات و مسئولانی که بر حجاب به‌عنوان یک حکم قانونی تأکید می‌کنند، نباید این شش نکته را از نظر دور داشته باشند. قانون برای افرادی که قدرت بیشتری دارند، مسئولیت بیشتری به همراه دارد. در درجه اول صاحبان قدرت باید به قانون پایبند باشند و وقتی همه این موازین را در کار خود رعایت کرد، می‌تواند به شهروندان خرده بگیرند که چرا به قانون ملزم نیستند.

◆ جدول ۴۳۲۲ ◆ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- محل بجاآوردن مناسک حج- فراری- گام ۲- نور اندک- رمان مشهور استیفن کرین، نویسنده آمریکایی ۳- آلبومی با آواز شهرام ناظری- اسب بارکش- خراش نامحسوس ۴- قرقره کاغذ- ویرایش- نوع تفکر و بینش ۵- مقابل بیداری- آبی تیره- موتور جست‌وجوگر اینترنتی ۶- کفش می‌دوزد- اقامت‌گزیدن- عفونت چرکی لثه ۷- پرنده‌ای لذیذگوشت- عنکبوت پشمالو- بی‌فایده ۸- شخص- هدف، نشانه- آستانه- تعجب زنانه ۹- گروه ورزشی- پرنده‌ای شبیه کبک- ابزار نجاری ۱۰- تخریب‌کننده اموال عمومی- زندگانی- دارای نظم و ترتیب ۱۱- مقابل عمدی- خانه خدا- قسمتی از دست ۱۲- نورگیر ساختمان- پرنده‌ای با منقار باریک و خمیده- کمانگیر باستانی ۱۳- ابر و باد و ... و خورشید و فلک درکارند- رویه لباس- پایتخت سوازیلند ۱۴- بازیگر خانم فیلم «چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد»- ضمیری عربی ۱۵- مرکز استان واسط در عراق- صمغی مصنوعی برای ساختن کلید و پریز- شب‌زنده‌داری کردن

عمودی:

۱- ظروف مسی می‌سازد- گل زینتی گرمسیری- آغوز ۲- نویسنده روسی رمان دن آرام - بیماری ذات‌الریه ۳- درود بر پیامبر و خاندان او- تدوین‌شده- نشانه مصدر جعلی ۴- زیرک و سودجو- جمع شیء- خلاصه‌گویی ۵- جوانی- متفق و صمیمی- از آلات موسیقی ۶- گروه محافظان ویژه- بر مرکب نشسته- صمغ برخی درختان ۷- نوعی شیرینی خرمایی- بی‌عیب‌ونقص و کامل- دریدن ۸- بله انگلیسی- حلال رنگ- ظرف نگهداری و حمل چیزی- تپه کوچک ۹- زربفت- واحد اندازه‌گیری حجم مایعات- پیشکش ۱۰- زورگیری- حمله و هجوم- نمایشنامه‌ای مشهور از شکسپیر ۱۱- دعایی در مقام امام زمان(عج)- نمایی از یک ساختمان- متعفن ۱۲- غذای مخصوص تالش و آستارا- پیشینیان- چند رأی ۱۳- استفراغ- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- آب هدررفته ۱۴- فیلمی ساخته محمدحسین مهدویان با بازی پیمان معادی- بچه‌ای که هنوز به دنیا نیامده ۱۵- گوسفند ماده- چهارمین پادشاه کیانی- سمیع

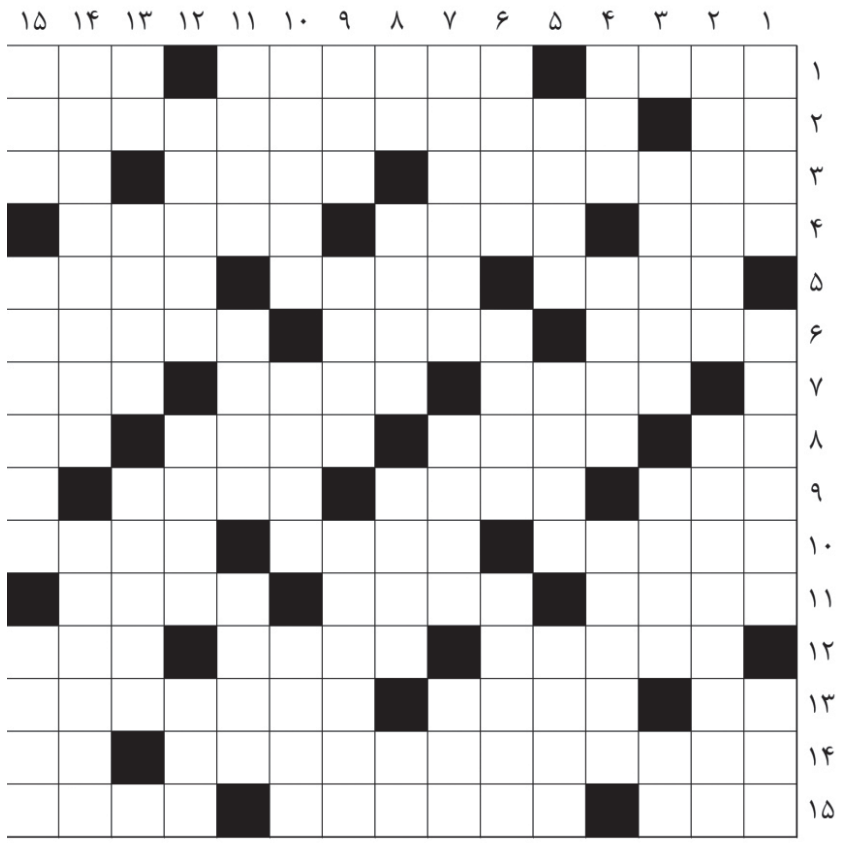

◆ حل سودوکو سخت

۸	۳	۹	۶	۴	۲	۵	۱	۷
۲	۴	۷	۱	۵	۸	۶	۹	۳
۶	۱	۵	۳	۷	۹	۸	۴	۲
۴	۷	۱	۹	۳	۶	۲	۸	۵
۵	۶	۲	۸	۱	۴	۳	۷	۹
۳	۹	۸	۷	۲	۵	۴	۶	۱
۹	۵	۴	۲	۶	۷	۱	۳	۸
۷	۲	۳	۴	۸	۱	۹	۵	۶
۱	۸	۶	۵	۹	۳	۷	۲	۴

◆ حل سودوکو ۳۳۱۷

۸	۲	۵	۶	۱	۹	۳	۷	۴
۳	۴	۶	۵	۸	۷	۲	۱	۹
۷	۹	۱	۳	۴	۲	۵	۶	۸
۵	۱	۹	۸	۳	۶	۴	۲	۷
۴	۳	۲	۷	۹	۵	۱	۸	۶
۶	۸	۷	۴	۲	۱	۹	۵	۳
۱	۶	۳	۲	۷	۴	۸	۹	۵
۹	۷	۴	۱	۵	۸	۶	۳	۲
۲	۵	۸	۹	۶	۳	۷	۴	۱

◆ حل جدول ۴۳۲۱

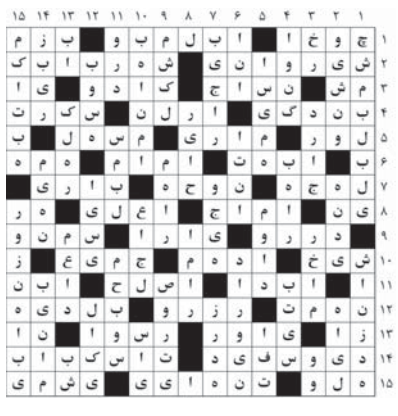

◆ سودوکو سخت ۳۳۱۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۸				
	۹		۶	۷	۴	۲		
۸		۶	۹				۴	
		۳						۴
	۶	۸				۷	۱	
۴						۳		
	۱				۵	۸		۹
		۵	۳	۹	۱		۲	
				۲				

◆ سودوکو ساده ۳۳۱۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵							۳	
		۱			۸	۷	۲	۶
			۱		۹			
			۶	۴	۵		۱	۲
	۱			۸			۶	
۴	۲		۳	۱	۷			
			۷		۱			
۱	۹	۳	۴			۲		
	۶							۴